

ظرفیت شناسی حقوق خانواده در شکل گیری تمدن نوین اسلامی

محمد افضل صفی زاده^۱

چکیده

یکی از موضوعات مهم و مطرح در آینده جهان اسلام مسئله ظرفیت شناسی حقوق خانواده در شکل گیری تمدن نوین اسلامی است. نظام خانواده در اسلام با توجه به ویژگی های منحصر به فرد آن و تا کیدات و توجهات احکام اسلامی یکی از پیشرفت های به روز ظهور تمدن نوین اسلامی است؛ یک نظام خانواده تمدن ساز عبارت است: از تشکیل مشروع خانواده، شناخت حقوق خانواده، و تامین نفقه خانواده، سرپرستی، تربیه و حقوق مالی و غیر مالی والدین در برابر فرزندان و نگاه اخلاق مدارانه به خانواده و حضور مثبت و فعال زنان در تمام عرصه ها خصوصاً در نقش مادری و در امور خانواده میباشد. و در این پژوهش با استفاده از ادله نقلی، عقلی و حقوقی در صدد تایید این مطلب هستیم که شرط تقویم تمدن، وجود نهاد خانواده به عنوان اولین سنگ بنای تمدن و شرط تقویم تمدن اسلامی ظرفیت های موجود در نهاد خانواده به عنوان مکمل اضلاع مختلف اقتصادی، فرهنگی و سیاسی یک تمدن میباشد را بحث نمایم.

کلیدواژگان: ظرفیت شناسی، حقوق خانواده، تمدن نوین اسلامی، نهاد خانواده.

^۱ - دانشجوی دکتری حقوق خصوصی جامعه المصطفی العالمیه واحد گرگان.

۱- مقدمه

خانواده به عنوان کوچک ترین و اساسی ترین اجتماع در شکل گیری تمدن نوین اسلامی و مرکز انبوه روابطی است که در آن هریک از اعضا دارای موقعیت خاص و حقوق و تکالیف متناسب با آن را دارند. وقانون گذاران برآن شدند تا مواد از قوانین را برای حمایت از ظرفیت شناسی و شکل گیری تمدن نوین اسلامی و تاکیدات و توجهات احکام اسلامی و بخاطر بروز وظهور این تمدن و شناخت تشکیل خانواده از تشکیل مشروع، شناخت حقوق، تامین نفقه، تربیه و سرپرستی اولاد و حقوق و تکالیف مالی و غیرمالی والدین در برابر فرزندان و حقوق فرزندان بر والدین و نگاه اخلاق مدارانه به همه اعضای خانواده و حضور مثبت و فعال زنان در تمام عرصه ها خصوصا در نقش مادری در امور خانواده و پای بند بودن به رعایت همه حقوق خانواده وضع کنند و نه تنها این موضوع بسیار مهم در قوانین وضعی و داخلی کشورهای اسلامی مورد توجه قرار گرفته بلکه در منابع اصیل اسلام که قرآن و سنت هستند نیز مورد توجه قرار گرفته، و فقهای بزرگوار از آیات و روایات در این راستا اجتهاد نموده و در کتب فقهی بطور مفصل آن را مورد بحث قرار داده اند بنابراین مقاله حاضر برای تبیین و روشن گری ظرفیت شناسی حقوق خانواده در شکل گیری تمدن نوین اسلامی هم در حقوق و هم در آیات و روایات و اجتهاد فقهاء خواهد پرداخت .

۲- مفهوم شناسی:

مفهوم لغوی و شرعی خانواده: شامل معنی حمایت نصرت و وجود روابط تفاهم و همکاری مبنی بر اساس نژاد، خون، نسبی، سببی و رضاع می باشد؛ نظام خانواده: عبارت است از احکام و قوانینی که در آغاز، اثنا و انتهای زندگی خانوادگی امور و شئون آن را سر و سامان می بخشد. (فقه خانواده در جهان معاصر، ۲۹) قرابت (خویشاوندی) در لغت به معنای نزدیکی و خویشی است (دهخدا، ۱۳۷۷، ۱۷۴۷۹) نسب در لغت به معنای نژاد، رگ و ریشه، رگ و پیوند، خویشاوندی، قرابت آبانی، خویشاوندی از سوی پدر یا از سوی پدر و مادر هر دو است (دهخدا، ۱۳۷۷، ۲۲۴۵۳) و نسب در اصطلاح فقهی عبارت از اتصال است که از طریق ولادت یکی به دیگری برسد و یا هر دوی آن ها به شخص ثالث برسد. به عبارت دیگر رابطه شخص به دیگری از طریق ولادت خواه با او منتهی شوند مانند منتهی شدن پسر به پدر خواه طرفین رابطه خویشاوندی به ثالث منتهی شوند مانند دو برادر که به پدر و مادر منتهی می شوند (یزدی، ۱۳۹۴، ۵۵۶) و نسب حقی از حقوق شرعی است که زوجین نمی توانند هنگام عقد توافق بر نفی آن نمایند (صادقی، ۱۳۹۴، ۱۹۶)

نسب مشروع : نسب در صورتی که ناشی از ازدواج صحیح و قانونی باشد نسب مشروع و در صورتی که خارج از ازدواج به وجود آمده باشد نسب نامشروع یا طبیعی نامیده می‌شود (صفایی ۱۳۹۰، ۱۲۱) نسب نامشروع : نسبی است که در نتیجه نزدیکی اشخاص بالغ و عاقل و مختار که به حرمت این رابطه و فقدان رابطه زناشویی بین خود آگاهی دارند به وجود آمده باشد.

مفهوم لغوی حق : حقوق واژه عربی است به معانی متعددی آمده است از جمله مفاهیم ذیل را می‌توان برشمرد: راستی‌ها و درستی‌ها، و بهره‌ها، وظایف و تکالیف، مواجب و شهریه‌ها، اموال و املاک، قوانین، سلطنت و تسلط بر اشخاص یا اشیاء است (معین ۱۳۸۷، ۹۶۰)

حق در اصطلاح حقوقی: حق رابطه حقوقی است که به سبب آن قانون به یکی از افراد این قدرت را می‌دهد تا به طور خاص بر چیزی معین تسلط و دست یابد (آن را تصرف کند) یا از فرد دیگری انجام دادن و یا ترک چیزی یا عمل معینی را بخواهد..

مال در لغت : مال مأخوذ از دو ماده هست: اول: ازم، ی، ل «میل» که در این صورت مراد از مال هر آن چیزی است که طبیعت بر آن میلان و محبت می‌داشته باشد قسمی که صاحب غیاث اللغات با تکیه به همین معنی می‌گوید «مال آن است که طبع انسان مایل به سوی آن باشد» دوم: مأخذ آن گرفته شده از: م، و، ل «مول» هست که در این صورت مال به معنی آن چیزی است که ذخیره کرده می‌شود و فقها از آن تعبیر به الفاظ ذیل کرده‌اند: «من شانه ان ید خر وقت الحاجه» خصوصیت مال آن است که قابلیت ذخیره شدن جهت استفاده در وقت ضرورت را داشته باشد. و از نظر حقوقی، به چیزی مال گویند که دارای دو شرط اساسی باشد: ۱- مفید باشد و نیازی را برآورده کند ، خواه آن نیازمندی باشد یا معنوی، ۲- قابل اختصاص یافتن به شخص یا ملت معین باشد. و در گذشته واژه «مال» ویژه کالای مادی بود. ولی پیشرفت‌های زندگی کنونی به تدریج آن را از این معنی محدود و ابتدائی خارج ساخته است، چندان که امروز به تمام عناصر گوناگون دارائی (مانند زمین اموال منقول و مطالبات و حقوق مالی و حتی حق تألیف و اختراع و سرقفلی) نیز مال گفته می‌شود (کاتوزیان ۱۳۸۹، ۹) نفقه در لغت : آنچه انفاق و بخشش کنند. آنچه صرف هزینه عیال و اولاد کنند. و جمع آن نفقات است (معین ۱۳۸۹، ۱۳۲۸) هزینه زندگی زن و فرزندان، روزی و مایحتاج معیشت آن‌ها را هم نفقه می‌گویند (جعفری لنگرودی ۱۳۸۷، ۷۱۸) قانون مدنی ایران در ماده ۱۱۰۷ در تعریف نفقه می‌گوید: «نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض». قانون‌گذار نفقه را به «همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن» تعریف کرده است (شیروی

۱۳۹۴، ۱۳۱) حقوق غیرمالی: عبارت ازحقی است که به غیرمال تعلق دارد مانند حق قصاص حق حریت و آزادی حق زن در طلاق در صورت پرداخت نشدن نفقه اش توسط شوهر حق حضانت حق ولایت حق وصایت و غیره

یکی از موضوعات مهم و مطرح در آینده جهان اسلام مسئله ظرفیت شناسی حقوق خانواده در شکل گیری تمدن نوین اسلامی است و نظام خانواده در اسلام با توجه به ویژگی های منحصر آن و تاکیدات و توجهات احکام اسلامی یکی از پیشرفت های بروز و ظهور تمدن نوین اسلامی است و اگر چنانچه امروز عقب ماندگی در تمدن نوین اسلامی دیده میشود همانا بخاطر عدم رعایت کامل و عدم پای بندی در این راستا میباشد. و لازم است تا در صورت موجود بودن شرایط شرعی و قانونی این مسئله بسیار مهم را رعایت نموده و در تشکیل نظام خانواده مشروع در اسرع وقت اقدام لازم نمایند

۳- نظام خانواده تمدن ساز

۱- تشکیل خانواده مشروع : خانواده مدرسه ای انسانی و ضرورتی اساسی برای پرورش نفس و ادامه زندگی آرام و کمک به انتظام جامعه و تقویت آن به عوامل سازنده، ابقاء و ماندگاری نوع بشری است و اصطلاحی شرعی خانواده گروه و جماعتی هستند که زیربنای جامعه را تشکیل می دهند و بنای آن بر روابط همسری مشروع میان زن و مرد استوار است و پیامدان وجود فرزندان است که به صحنه زندگی گام می گذارند خانواده در ارتباطی نزدیک با پدر بزرگ، مادر بزرگ، مرد، زن، برادران و خواهران آنها، نوادگان، فرزندان پسر و دختر، عموها، عمه ها، دایی ها، خاله ها، و فرزندان آنها خواهد بود و مفهوم لغوی و شرعی خانواده شامل معنی حمایت، نصرت و وجود روابط تفاهم و همکاری مبنی بر اساس نژاد، خون، نسبی، سببی و اوضاع می باشد و یکی از بهترین پیشرفت های بروز و ظهور تمدن نوین اسلامی است چنانچه هم در آیات و هم در روایات و هم در همه قوانین کشورهای اسلامی حتی میتوان گفت در همه ادیان آسمانی و شاید در همه قوانین دنیا اشد تاکید در تشکیل خانواده مشروع ثابت استوار و دائمی شده است قرآن کریم (و لقد ارسلنا رسلا من قبلک وجعلنا لهم ازواجاً و ذریه سوره رعد آیه ۳۸) و همانا پیش از تو پیامبرانی را فرستادیم و برای آنان همسران و فرزندان قرار دادیم و در آیه دیگر (والله جعل لکم من أنفسکم ازواجاً لتسکنوا إليها و جعل بینکم موده و رحمه إن فی ذالک لآیات لقوم یتفکرون سوره روم آیه ۲۱) و از نشانه های الله متعال این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنار شان آرامش یابید و در میان شما دوستی و مهربانی قرار داد یقیناً در این کار نشانه هایی است برای مردمی که می اندیشند. و قال النبی (ص) إذا تزوج العبد فقد استكمل نصف الدین فلیتق الله فی النصف الباقی کند العمال ۴۴۴۰۳) پیامبر اکرم (ص) میفرماید کسی که نکاح می کند به تحقیق کامل کرده است نصف ایمان خود را پس از خداوند پروا کند از نصف دیگر. و قال البی (ص) أما والله إنی

لأخشاكم لله وأتقاكم له لكنى أصوم وأفطر وأصلى وأرقد وأتزوج النساء فمن رغب عن سنتي فليس مني بخاری (۵۰۶۳) پیامبر اکرم (ص) میفرمایند آگاه باشید قسم بخداوند من از همه شما ترس ناک ترم از خداوند و پرهیزگارترم لکن گاهی روزه می گیرم و گاهی نمی گیرم و نماز می خوانم و میخابم و من به همراهی زنان نکاح می کنم پس کسی که از سنت من روی بگرداند اواز جمله امتی من نیست. وقال النبی(ص) (من استطاع منكم البائة فليتزوج فإنه أغض للبصر وأحسن للفرج بخاری ۳۳۹۸) همچنان پیامبر اکرم (ص) میفرمایند کسی که از شما توانای نکاح را دارد پس باید نکاح کند زیرا نکاح پوشاننده تراست برای چشم و محافظت کننده تراست از برای شرمگاه. ماده ۱۰۳۴ ق م ایران (هرزنی را که خالی از موانع نکاح باشد می توان خواستگاری نمود) و ماده ۶۰ ق م افغانستان (ازدواج عقدیست که معاشرت زن و مرد را به مقصد تشکیل فامیل مشروع گردانیده حقوق و واجبات طرفین را بوجود می آورد) و عدم تشکیل خانواده و عدم ازدواج مشروع قطعاً باعث فروپاشی نظام خانوادہ که این نیازمبرم جامعه میباشد و علت اختلال نسب و بی سرپرست ماندن اطفال و باعث عدم تامین نفقه زوجه و اطفال که این باعث ایجاد فقر و بالارفتن جرم و جنایات و غیره که همه این ها باعث عقب ماندگی و محروم ماندن از مزایای تمدن نوین اسلامی است که نمونه اش را امروز در جهان کفری به وضوح می بینیم و روابط آزاد زن و مرد یعنی بدون ازدواج شرعی برخلاف اخلاق و سنن اجتماعی. اصولاً فاقد آثار قانونی ازدواج است. و این گونه روابط، از آنجا که ثبات و تضمین ندارد و بر پایه صحیح شرعی و اخلاقی استوار نیست و از نظر اجتماعی هم زیان آور است لذا نمی تواند جایگزین روابط مشروع خانوادگی گردیده و هرگز نمی تواند باعث پیشرفت تمدن نوین اسلامی گردد و حتی توسعه روابط آزاد زن و مرد مانع تشکیل خانواده قانونی و یا مایه گسستن پیوند خانوادگی است. و اطفال متولد از این گونه روابط، معمولاً از تربیت صحیح محروم و در نظر مردم پست و بی مقدارند و از لحاظ اجتماعی هم مشکلاتی را به بار می آورند که این خود باعث عقب ماندگی و محروم ماندن از مزایای تمدن نوین اسلامی خواهد شد.

۲- **شناخت حقوق خانواده:** خانواده دارای سه نوع است: کوچک، متوسط و بزرگ ۱- خانواده کوچک به زن و شوهر و فرزندان محدود میشود ۲- خانواده متوسط شامل اقوام و خویشاوندان مانند: پدر، مادر، پدر بزرگ، مادر بزرگ، برادر، خواهر، عمو، دایی، خاله و... میشود و اینها کسانی که در ارتباط با اصطلاح (صله رحم) مورد نظر می باشند و رعایت محبت و ارتباط با آنان زمینه ساز برکت در عمر و روزی می شود؛ زیرا در حدیث قدسی آمده است که (من خداوند، من مهربانم، خودمهربانی را آفریده ام و از آن اسمی را برای خود برگزیده ام، هر کس آن را مراعات نماید از او حمایت و مراقبت می نمایم و هر کس آن را قطع کند، با اقطع رابطه خواهم نمود (ابوداود و ترمذی ۳۷۱/۲۶۹) ۳- خانواده بزرگ: عبارت از جامعه اسلامی که شامل: همسایگان دوستان و دیگران می شود و خداوند (ج) اساس ارتباطشان را بر (اخوت) قرار داده و همه را به (محبت) ارتباط متقابل و تفاهم فراخوانده است و می فرماید

(انما المؤمنون اخوة/حجرات/۱۰) به تحقیق همه مؤمنان باهم برادراند.وهم چنان همه جامعه بشری و انسانی رادر برمی گیرد و خداوند(ج) همه انسانها را به تعاون و همبستگی متقابل فراخوانده و فرموده است: (يا أيها الناس إنا خلقناكم من ذكر وأنثى وجعلناكم شعوبا وقبائل لتعارفوا/حجرات/۱۳) ای مردم ما شمارا از یک مرد وزن آفریدیم وملت ها و قبیله ها قراردادیم تا یکدیگر را بشناسید بی تردید گرمی ترین شما نزد الله پرهیزگارترین شماست یقینا الله دانا و آگاه است. اعضای خانواده هر کدام دارای حقوق و تکالیفی میباشند از جمله پدر دارای مسئولیت پرداخت نفقه زن و فرزندان میباشد و نگاه اخلاق مدارانه و رعایت حقوق مالی و غیرمالی زن و فرزندان وزن هم مسئولیت رسیدگی به خواسته های مشروع شوهر و رسیدگی به امور خانواده و رسیدگی به حفاظت و تربیت سالم فرزندان و رعایت حقوق مالی و غیرمالی و غیره میباشد چنان چه گاهی حضانت نفقه سرپرستی فرزندان به عهده مادر قرار می گیرد و گاهی والدین مشترکا مسئولیت همه اینها را به عهده دارند و همچنین لازمه برابری انسانی تعاون و همکاری برای رویاروی بامشکلات سخت و متنوع و مستمر زندگی است، زیرا تعاون یکی از مظاهر بارز رشد و تمدن نوین اسلامی بوده و مرد وزن هر دو در ارتباط با آن مسئولیت دارند و تعاون و همکاری بر اساس پدیده محبت، الفت، دلسوزی و احساس همدردی متقابل قرار گرفته است و عرصه های زندگی تنها با بهره گیری از این احساس و عاطفه پاک میان مردان و زنان است که راه درست خود رادر پیش می گیرند. و اعتراف به اصل وحدت انسانی و مسائلی مانند مساوات کامل میان مرد وزن موارد زیر را می طلبد (المرئء بین الفقه والقانون/۶۵) ۱- مساوات میان مرد وزن در حقوق و مسئولیتها: در ارتباط با (اندیشه و اهلیت و مسئولیتهای که دین خداوند(ج) فراراه انسانها قرار داده زنان دست کمی از مردان ندارند و در حقوق و مسئولیتها همسان می باشند ۲- در عرصه عقاید و احکام: همان انتظار ی که مرد برای برخورداری از عقیده ای صحیح و ادای مسئولیتهای شرعی می رود همان انتظار از زن نیز وجود دارد و در استحقاق دست یابی به درجات اخروی و کسب ثواب مرد وزن در یک ردیف قرار دارند و مبنای مساوات با عمل صالحی است که هر دو انجام می دهند چنانکه قرآن کریم می فرماید (من عمل صالحا من ذکراً و انثی و هو مؤمن فلنحیینه حیوة طيبة ولنجزینهم أجرهم بأحسن ما كانوا یعملون النحل/ ۹۷) راز مرد وزن هر کس کارشایسته انجام دهد در حالی که مؤمن باشد مسلماً او را به زندگی پاک و پاکیزه ای زنده می داریم و پاداششان را بر پایه بهترین عملی که همواره انجام می داده اند می دهیم. و زنان دارای مسئولیتهای مالی جدای از مسئولیتهای مالی دیگر اعضای خانواده هستند هر چیزی را که بخواهند می توانند به مالکیت خود در آورند و هر گونه که به خواهند در دارای خود دخل و تصرف بنمایند و در این مورد اموالی را که از طریق ارث، بخشش، کار و غیره بدست بی آورند فرقی باهم ندارند چنانچه الله متعال میفرماید (للرجال نصیب مما ترک الوالدان والاقربون وللنساء نصیب مما ترک الوالدان والاقربون مما قل او کثر نصیباً مفروضاً النساء/۷) برای مردان از آنچه پدر و مادر و نزدیکان پس از مرگ به جای می گذارند سهمی است و برای زنان هم آنچه پدر و مادر و نزدیکان به جای می گذارند سهمی است اندک باشد یا بسیار سهمی است

واجب. لازم به یاد آوری است که براساس قانون فرانسه که خود را جلودارومدافع حقوق زن دانسته و دیگران را ناقض حقوق زن میدانند در ماده ۲۱۷ قانون مدنی چنین بیان میدارد که (حقوق مالی زن در حقوق و اختیار شوهرش ذوب می شود و بدون موافقت شوهر، زن حق هیچ گونه دخل و تصرفی در اموال خویش را ندارد) و خوشبختانه در عرصه حقوق اسلامی: زنان نیز همچون مردان دارای حق مالکیت و تصرف کامل در اموال خود، از همان آوان رسیدن به سن بلوغ ناپایان عمر می باشند و حتی از همان آغاز تولد حقوق مالی آنان محفوظ می باشد و این یکی از نمونه های بارز در تاکید و توجه خاص اسلام برای پیشرفت های بروز و ظهور تمدن نوین اسلامی است

۳- تامین نفقه خانواده: تامین نفقه خانواده هم یکی از پیشرفت های بروز و ظهور تمدن نوین اسلامی بوده که اعضای خانواده را از کارهای ناروا و نامشروع از جمله انجام اطفال زیر سن مصروف به کارهای شاقه و محروم شدن از تعلیم و تربیه سالم و مصروف شدن مادر به کارها و عدم رسیدگی به امور خانه و عدم رسیدگی به اطفال و حتی گاهی دست به تکیه گری و انجام اعمال ناروا که باعث اختلال نظم و پاشیدگی نظام خانواده می گردد می باشد مقدار نفقه: همانطور که فقها گفته اند، در نفقه مقدار معینی شرط نیست، بلکه واجب مقدار کفایت است، یعنی مقداری که احتیاج واجب النفقه را رفع کند. صاحب جواهر میگوید اختلافی در این مسئله پیدا نکرده، بلکه جماعتی ادعای اجماع بر آن نموده اند. نکته دیگر آنکه علاوه بر وضع مالی نفقه دهنده، شئون و وضعیت واجب النفقه نیز در این باب باید رعایت شود؛ مثلاً لباس یا مسکن که به عنوان نفقه در اختیار او گذارده می شود باید متناسب با شئون و وضع اجتماعی او باشد و عرف و عادت محل در این باره ملاک عمل خواهد بود.

و ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی در این خصوص مقرری دارد: «نفقه اولاد بر عهده پدر است. پس از فوت پدر یا عدم قدرت او به اتفاق، به عهده اجداد پدری است، بارعایت الاقرب فالاقرب، در صورت نبودن پدر و اجداد پدری و یا عدم قدرت آن ها نفقه بر عهده مادر است. هرگاه مادر هم زنده و یا قادر به اتفاق نباشد، بارعایت الاقرب فالاقرب، به عهده اجداد وجدات مادری و جدات پدری واجب النفقه است و اگر چند نفر از اجداد و جدات مزبور از حیث درجه اقربیت، مساوی باشند، نفقه را باید به حصه متساوی تادیه کنند».

البته مقصود از «الاقرب فالاقرب» این است که اگر خویشاوند نزدیکتر طبق شرایط مقرر، تکلیف به پرداخت نفقه پیدا کند، خویشاوند دورتر از این تکلیف معاف می گردد. براساس ماده مذکور اگر شخصی دارای پدری باشد که متمکن از پرداخت نفقه او باشد، تکلیف به پرداخت نفقه بر ذمه پدر قرار می گیرد، اگر پدر نداشته باشد و یا پدر او متمکن از پرداخت نفقه نباشد تکلیف به پرداخت نفقه بر ذمه پدر بزرگ پدری او قرار می گیرد. اگر پدر بزرگ پدری هم نداشته باشد و یا پدر بزرگ پدر او متمکن از پرداخت نفقه نباشد، تکلیف به پرداخت نفقه بر ذمه مادر او قرار می گیرد. حال اگر مادر هم نداشته باشد یا مادر او متمکن از پرداخت نفقه نباشد، این تکلیف بر ذمه «جد و جدۀ مادری و جدۀ پدری»

قراری گیرد جد و جدۀ مادری و جدۀ پدری همگی از حیث تکلیف به انفاق، در یک ردیف قرار دارند، یعنی اگر تکلیف به پرداخت نفقه به این اشخاص برسد و آنان همگی متمکن از پرداخت نفقه نوۀ خود باشند، همه آنان به طور مساوی عهده دار نفقه نوۀ خواهند بود و اگر یک یا دو نفر از آنان زنده نباشند و یا متمکن از پرداخت نفقه نباشند، تکلیف به پرداخت نفقه بر عهده کس یا کسانی باقی می ماند که زنده اند و متمکن از پرداخت نفقه هستند (نجفی ۱۳۳۹، ۳۷۱)

التبه برای اینکه تکلیف به پرداخت نفقه اقارب. محقق شود، وجود چند شرط ضروری است. این شرایط عبارت اند از: ۱- فقیر بودن مستحق نفقه و یا اولاد: مطابق ماده ۱۱۹۷ قانون مدنی «کسی مستحق نفقه است که ندار بوده و نتواند بوسیله اشتغال به شغلی، وسایل معیشت خود را فراهم سازد» بنابراین اگر اولاد هم دارای شخصی داشته باشند و یا توان این را دارند که با اشتغال به شغلی هزینه های زندگی خود را تأمین کنند. نفقه آنها برای والدین لازم نیست. ۲- متمکن بودن منفق و یا والدین: مطابق ماده ۱۱۹۸ قانون مدنی: «کسی ملزم به انفاق است که متمکن از دادن نفقه باشد، یعنی بتواند نفقه بدهد، بدون اینکه از این حیث در وضع معیشت خود، دچار مضیقه گردد، برای تشخیص تمکن باید کلیۀ تعهدات و وضع زندگانی شخصی او در جامعه در نظر گرفته شود» مگر اینکه نفقه مطالبه شده نفقه اولاد باشد که در این مورد، نفقه اولاد مقدم بر پرداخت دیون است.

خصوصیات و ضمانت اجرای والدین نسبت به عدم پرداخت نفقه اولاد: فقها و قانون گزاران اسلامی نسبت به ایجاد تمدن نوین اسلامی واقعی تنها به یادآوری اکتفا نکرده و با توجه به این که نفقه هم حق است و هم تکلیف، چنانچه کسی که عهده دار نفقه است از تکلیف فوق خودداری نماید، مستنکف محسوب شده و به انجام تکلیف خود وادار می شود، ضمانت اجرایی مدنی در ماده ۱۲۰۵ قانون مدنی آمده که مشتمل بر الزام وی از طریق دادگاه و در صورت عدم امکان الزام وی، به برداشت از اموال مستنکف می باشد؛ و نهایتاً در صورتی که اموال غایب یا مستنکف در اختیار نباشد، با اجازه دادگاه می توانند نفقه را به عنوان قرض بپردازند و بعداً از شخص غایب یا مستنکف مطالبه نمایند. تنها تفاوتی که نفقه زوجه با نفقه طفل و سایر افراد واجب النفقه دارد این است که زوجه در هر حال می تواند برای نفقه زمان گذشته خود اقامۀ دعوی نماید و طلب او از بابت نفقه مزبور طلب ممتاز بوده. بنابراین، مادر طفل برای این که بتواند نفقه گذشته (مافات) طفل را (در مدتی که حضانت طفل بر عهده او است) از پدر وی مطالبه نماید، باید قبلاً به دادگاه مراجعه و با اذن دادگاه نفقه طفل را به عنوان قرض بپردازد و الا چنانچه رأساً مبادرت به پرداخت نماید، بعداً نمی تواند از پدر وی مطالبه نماید. البته نفقه زن و هزینه نگهداری اولاد صغیر محکوم علیه برای مدت شش ماه، جزء دیون ممتاز نسبت به سایر بستانکاران می باشد (دیان ۱۳۹۵، ۳۸۳)

علاوه بر ضمانت اجرای مدنی که فوقاً به آن پرداخته شد، ترک انفاق دارای ضمانت اجرای کیفری نیز هست. در صورتی که مستحق نفقه بخواهد مستنکف از پرداخت نفقه را با ضمانت اجرای کیفری مواجه نماید، باید با تقدیم

شکایت به دادگاه خانواده، ازدادگاه تقاضای مجازات او را بنماید. مطابق ماده ۵۳ قانون جدید حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱: «هرکس با داشتن استطاعت مالی نفقه زن خود را در صورت تمکین او ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب النفقه امتناع کند، به حبس تعزیری درجه شش محکوم می شود، حبس درجه شش از شش ماه تا دو سال می باشد تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت گذشت وی از شکایت در هر زمان تعقیب جزائی یا اجرای مجازات موقوف می شود (حیا تی ۴۰۵۱۳۹۳)

۴- سرپرستی و تربیه سالم فرزندان: ۱- یکی دیگر از موضوعات مهم که باعث پیشرفت های بروز و ظهور تمدن نوین اسلامی است موضوع سرپرستی فرزندان می باشد که در این راستا اشد تاکید برای سرپرستی مراقبت و حفاظت و نگهداری خوب از اطفال شده است. نگهداری، تربیت و حضانت طفل به خاتراین است که نوزاد بدون کمک و مساعدت دیگران ناتوان و عاجز بوده و به زندگی خود ادامه نمی تواند لذا امری است و از این جهت بین فرزند مشروع و نامشروع هم فرقی نگذاشتند و پیامبر اکرم (ص) در راستای سرپرست یتیم می فرماید (انا و کفیل الیتیم کهاتین فی الجنة) من و کفیل یتیم در جنت مثل دوانگشت سبابه و وسطی میباشیم یعنی من و سرپرست یتیم در پهلوی هم در جنت قرار داریم و یکی از محورهای اساسی بنای کاشانه سالم و متمدن اسلامی می باشد، نگهداری به معنای عام آن، شامل همه کارهای است که برای سرپرستی و مواظبت از کودک لازم است، بدین خاطر فقها و هم قانون گزاران این را برای والدین هم حق دانسته و هم تکلیف چنانچه برابر مواد ۱۱۶۸ و ۱۱۷۲ قانون مدنی «نگاهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابوین است» و «هیچ یک از ابوین حق ندارد در مدتی که حضانت طفل به عهده آنها ست امتناع کنند و در صورت امتناع یکی از ابوین، حاکم باید به تقاضای دیگری یا تقاضای قیم یا یکی از اقرباء یا به تقاضای مدعی العموم نگهداری طفل را به هریک از ابوین که حضانت به عهده اوست، الزام کند و در صورتی که الزام ممکن یا مؤثر نباشد، حضانت را به خرج پدر و هرگاه پدر فوت شده باشد به خرج مادر تأمین کند». با این ترتیب حضانت در عین حق بودن، تکلیف هم هست که قابل اسقاط نیست. از آنجاکه حضانت حق محض نیست و جنبه تکلیف هم دارد و در آن طفل نیز ذینفع است. به ضرورت توافق و تراضی یا مصالح بین والدین فاقد اعتبار قانونی است (الولقاسم، گر جی، و همکاران بررسی حقوق تطبیقی حقوق خانواده، ص ۴۴۵) و شخصی که نگاهداری طفل به او واگذار می شود باید دارای شرایط زیر باشد شک نیست که حضانت را باید به کسی واگذار کرد که شایستگی و توانائی برای انجام این کار را داشته باشد و شرایط حضانت قرار ذیل می باشد. ۱- بالغ باشد ۲- عاقل باشد: ماده ۱۷۰ قانون مدنی ۳- دارای توانایی عملی باشد ماد، ۱۱۶۹ اصلاحی قانون مدنی می گوید: «برای حضانت و نگاهداری طفل که ابوین او جدا زندگی می کنند، مادر تا سن ۷ سالگی اولویت دارد و پس از آن با پدر است. البته بعد از ۷ سالگی در صورت حدوث اختلاف، حضانت طفل با رعایت مصلحت کودک به تشخیص دادگاه هست. با

توجه به ماده مذکور و ماده ۱۱۶۸ همین قانون مسلم است که حضانت طفل، حق و تکلیف ابویین در برابر فرزند برای مدتی است که به وی، کودک اطلاق می‌شود. در ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی دختر بعد از رسیدن به سن ۹ سال تمام قمری و پسر بعد از رسیدن به ۱۵ سال تمام قمری بالغ محسوب می‌شود و به پسر و دختر بعد از رسیدن به سن مزبور کودک یا طفل اطلاق نمی‌گردد و بدین جهت بعد از سنین مذکور تکلیف حضانت اصولاً باید ساقط شود و مدت آن پایان پذیرد. ولی طور که دیده می‌شود هر نوجوانی پس از رسیدن به بلوغ و پیش از داخل شدن به جامعه، هنوز نیاز به مواظبت دارد، به همین خاطر در عین حال که حق و مسئولیت حضانت ساقط می‌شود، در عمل والدین از جهت اخلاقی و مصلحت فردی و اجتماعی، خود را موظف می‌دانند، تا رسیدن فرزند به مرحله استقلال عملی، نظارت خود را نسبت به آنها ادامه دهند که این نظارت در فرزند دختر اصولاً تا ازدواج کردن و تشکیل خانواده ادامه دارد اما در فرزند پسر معمولاً پس از اشتغال به شغل پایان می‌یابد. البته گروهی از فقها بر این اعتقادند که حضانت با رسیدن به سن بلوغ و رشد پایان می‌یابد صاحب جواهر می‌گوید «اختلافی نیست در این که هرگاه طفل به سن بلوغ برسد ولایت ابویین بر او ساقط می‌شود» (محمدحسن، نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۱ ص ۳۰۱) و بعضی از فقها برین باورند که بعد از رسیدن به سن بلوغ می‌توانند آزادانه انتخاب کنند که پیش پدر باشند یا پیش مادر (محمدجواد، مغنیه، الاحوال الشخصیه علی المذاهب الخمسه ص ۹۶)

یکی از وجوه حق حضانت برای ابویین نگهداری است: نگهداری شامل چه کارهای می‌شود: چنانکه گفته شد، نگهداری به معنای عام آن، شامل همه کارهای است که برای سرپرستی و مواظبت از کودک لازم است، از جمله شیر دادن طفل در دوران نگهداری به علت اینکه شیر مادر بهترین غذای طفل در ماه‌های اولین تولد است. حمایت از طفل اقتضا می‌کند که این وسیله از او دریغ نکردد؛ چنان که طبیعت نیز چنین خواسته است و قانون نیز بر همین مبنا حضانت را با مادر می‌داند. البته بطور استحباب نه بطور اجبار. بخاطر اهمیت نگهداری و حضانت از اطفال بخاطر ایجاد تمدن نوین اسلامی و رشد و شکوفایی هر چه بهتر جامعه، از نظر کیفری نیز حق پدر و مادر بدون ضمانت اجرا نمانده است: به موجب ماده ۶۳۱ قانون مجازات اسلامی تعزیرات: «هر کس طفلی را که تازه متولد شده است بدزدد یا مخفی کند یا او را به جای طفل دیگر یا متعلق به زن دیگر غیر از مادر طفل قلمداد نماید به شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد» و ماده ۱۱۷۲ قانون مدنی هم در این باره می‌گوید که «هیچ یک از ابویین حق ندارند در مدتی که حضانت طفل به عهده آنها است از نگهداری او امتناع کنند. و در صورتی امتناع یکی از ابویین حاکم باید به تقاضای دیگری یا به تقاضای قیم یا یکی از اقربا و یا به تقاضای مدعی العموم نگهداری طفل را به هریک از ابویین که حضانت به عهده اوست الزام کند و در صورتی که الزام ممکن یا مؤثر نباشد حضانت را به خرج پدر و هرگاه پدر فوت شده باشد به خرج مادر تأمین کند»

۲- یکی دیگر از موضوعات مهم که باعث پیشرفت های بروز و ظهور تمدن نوین اسلامی است موضوع تربیه سالم فرزندان میباشد و یکی از محورهای اساسی بنای کاشانه سالم و پاسداری از هویت و ویژگیهای آن اهتمام تام و تمام به آموزش و پرورش فرزندان است و لازم به یادآوری است که معنی تربیت و پرورش بسیار گسترده تر از معنی تعلیم و آموزش است تربیت: به معنای بار آوردن و رشد بخشیدن به فرزندان تا رسیدن گام به گام به مرحله کمال است و همه جوانب تربیت مادی و جسمی نفسی و روحی و عقلی و فکری و رفتاری و اجتماعی را شامل می شود. اما تعلیم: جزئی از تربیت به شمار می آید و متضمن در اختیار گذاشتن معلومات مورد نیاز کودکان برای اصلاح امور زندگی است که تنها به جنبه عقلی و اندیشه اوار تباط پیدامی نماید برای رشد و بالندگی فرزندان هم تعلیم لازم است و هم تربیت زیرا آنان امانتهای هستند که به پدر و مادرانشان سپرده شده اند چنانچه رسول مکرّم اسلام میفرماید: بهترین هدیه والدین به فرزندان خود، تربیت خوب آنهاست. و این برای والدین هم حق است و هم تکلیف. و همچنان از پیغمبر اسلام (ص) سؤال شد پدر در برابر فرزند چه تکالیفی دارد؟ پیغمبر (ص) در جواب فرمود: برای فرزند نام نیکو انتخاب کند، او را درست تربیت کند و به او شغل مناسب بیاموزد (محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۶ ص ۴۳)

به طور طبیعی بهترین معلمان و مربیان اطفال والدین آنها هستند. والدین با تعلیم عملی و گفتاری فرزندان خود را به آداب و رسومات پسندیده اجتماعی آگاه می کنند. و در ماده ۱۱۷۸ قانون مدنی مقرر کرده است: «ابوین مکلف هستند که در حدود توانائی خود به ترتیب اطفال خویش بر حسب مقتضی اقدام کنند و نباید آنها را مهمل بگذارند» و علاوه بر ابوبین و دیگر افراد زیربط، نظر به اینکه تربیت اطفال منحصرأ جنبه فردی و خانوادگی نداشته و نحوه تربیت افراد و اطفال در سرنوشت جامعه نقش اساسی دارد، دولت و سازمان های اجتماعی نباید در تعلیم و تربیت اطفال و نوجوانان که سازندگان آینده جامعه هستند بی تفاوت باشند. بنابراین لازم است دولت از طریق آموزش و پرورش عمومی و همگانی در مراحل مختلف ابتدایی و متوسطه و عالی مداخله مؤثر داشته باشد و از طریق وسایل ارتباط جمعی نیز این وظیفه مهم اجتماعی را انجام دهد. هر چند بعضی از حقوق دانان برانند که میان حضانت و تربیت تفاوت وجود دارد زیرا، حضانت به نگهداری مادی و مراقبت جسمانی و تربیت، به پرورش جنبه های معنوی شخصیت طفل مربوط است ولی به نظر می رسد، حضانت تکلیف عامی است که شامل تربیت طفل نیز می شود. یعنی مسئول حضانت، موظف است علاوه بر اینکه وضعیت جسمانی طفل را تحت مراقبت خویش قرار دهد، باید تربیت او را هم تحت نظارت خویش در آورد.

حضانت اطفال بدون سرپرست: یکی از مسائل مهم حقوق خانواده دانستن وضعیت حضانت کودکان بدون سرپرست و یا بد سرپرست است. بارها پیش می آید در اثر وقوع بلایای طبیعی، فوت والدین یا فرار از غیر شرعی بودن نسب طفل، تکلیف مهم نگهداری و حمایت و تربیت وی با مشکل مواجه می شود. و خوشبختانه با تصویب

قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بد سرپرست مصوب ۱۳۹۲/۷/۱۰ فصل جدیدی در حمایت از این کودکان بر مبنای شرع گشود و موانع شرعی مربوطه را به اذنی از مقام معظم رهبری برداشت. چه نیکوست خانواده‌هایی که از نعمت فرزند برخوردار نیستند به جای ازدواج مجدد شوهر یا طلاق، با پذیرش یک یا چند کودک بی سرپرست هم به محیط گرم خانواده خود گرمی و صفا بدهند و هم آن کودک معصوم و بی پناه را از نعمت والدین بامحبت برخوردار سازند (نجفی، جواهرالکلام، ج ۳۱ ص ۲۹۰)

حق حضانت در صورت فوت یکی از والدین: هرگاه یکی از والدین فوت کند، حق حضانت و نگهداری طفل با پدر و یا مادری خواهد بود که زنده است. ماده ۱۱۷۱ قانون مدنی در این خصوص مقرری دارد که «در صورت فوت یکی از ابویین حضانت طفل با آنکه زنده است خواهد بود هرچند متوفی پدر طفل بوده و برای او قیم معین کرده باشد، منظور از «قیم» در این ماده «وصی» است و قانون‌گذار دچار سهو قلم شده است، زیرا وصی توسط ولی و قیم توسط دادگاه تعیین می‌شود. در هر حال منظور ماده روشن است، با فوت پدر، مادر حضانت اطفال را به عهده می‌گیرد ولو اینکه پدر برای اطفال وصی تعیین یا دادگاه برای آن‌ها قیم انتخاب کرده باشد. در فقه نسبت به حق خویشان کودک، و به‌ویژه جد پدری، اختلاف است: گروهی از نو یسندگان پس از فوت پدر و مادر حضانت را با جد پدری می‌دانند (محقق، شرایع الاحکام، نکاح، ص ۵۶۷) در تأیید این نظر استدلال شده است که جد پدری، به اعتبار ابوت بر پدر، پدر کودک نیز به شمار می‌آید و همان گونه که امور مالی او را به عهده دارد در تربیت و نگهداری نواده خود نیز بر دیگران مقدم است. (شهیدثانی، و دیگران، مسالک، ج ۲ ص ۵۸۳)

هرگاه مادری که حضانت طفل با اوست با دیگری شوهر کند، برابر ماده ۱۱۷۰ قانون مدنی، نگهداری طفل به پدر واگذار می‌شود چه اغلب در این گونه موارد، مادر نمی‌تواند وظیفه نگهداری طفل را، چنانکه باید، انجام دهد و جمع بین وظایف ناشی از حضانت و تکالیفی که ازدواج بر دوش او می‌گذارد دشوار است. مع‌هذا اگر دادگاه تشخیص دهد، مادر با اینکه شوهر دیگری اختیار کرده، برای نگهداری طفل مناسب تراز پدر است، حضانت را با توجه به مصلحت طفل به مادر خواهد داد. **ضابطه تشخیص موانع که نه تنها سبب بازستاندن طفل از پدر یا مادر حتی مانع از سپردن کودک به آنان می‌شود:** در ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی، در معرض خطر قرار گرفتن صحت جسمانی و تربیت اخلاقی طفل دو عامل مهمی است که دادگاه را وادار به تصمیم گرفتن و تجدیدنظر در وضع حضانت می‌کند. ۱- ناتوانی در نگهداری طفل: ۲- ابتلا به بیماری‌های ساری: ۳- انحطاط اخلاقی: ۴- خشونت خارج از حد متعارف و غیره می‌باشد.

۵- نگاه اخلاق مدارانه به خانواده: (وعاشروهن بالمعروف النساء/۱۹) بازنان به شایستگی و خوبی رفتار کنید و پیامبر اکرم (ص) میفرماید که بهترین شما کسانی هستند که با خانواده خویش به بهترین روش رفتاری نمایند و من از همه شما با خانواده ام بهتر معاشرت می نمایم (ترمذی و ابن حبان ۲۰۷/ ۱۷۹) حتی اکرام و احترام مادران سه درجه نسبت به پدران برتری دارند چنانچه مردی به خدمت رسول خدا (ص) آمد و سؤال کرد که یا رسول الله چه کسی بیشتر بر من حق دارد که با او به خوبی رفتار نمایم؟ رسول خدا (ص) فرمود مادرت گفت پس از او؟ فرمود مادرت باز گفت پس از آن؟ رسول خدا (ص) برای بار سوم فرمود مادرت باز آن مرد پرسید پس از مادر من یا رسول الله؟ رسول الله فرمود پدرت و خداوند متعال راجع به ضرورت رعایت اکرام و احترام زنان در مقام همسری می فرماید: (ومن آیاته أن خلق لكم من أنفسكم أزواجا لتسكنوا إليها وجعل بينكم مودةً ورحمةً إن فی ذالک لآیات لقوم یتفکرون الروم/ ۲۱) و برخی از نشانه های (دانش و حکمت) خداوند (ج) این است که از نوع خودتان همسرانی را برایتان آفرید تا در کنار آنها آرامش پیدا کنید و در میان شما دوستی مهربانی و دلسوزی را قرارداد در این راه برای کسانی که می اندیشند نشانه های است و در حدیث دیگری پیامبر اکرم (ص) میفرماید به یکدیگر توصیه کنید که بازنان به خوبی معاشرت نمایند و در حدیث دیگری پیامبر اکرم (ص) میفرماید (تجاوزو عن عثرات الخاطئين یقیکم الله بذالک سوء الاقدار: از لغزشهای خطاکاران در گزیرید که خداوند (ج) در عوض آن شما را از پیشامدهای ناگوار حفظ خواهد کرد) (تنبيه الخواطر: ۲/ ۱۲۰) شاید زنان مرتکب اشتباه هم به شوند اما خوب است تا از اشتباه شان بگذرید و الله متعال میفرماید (وقضى ربك الاتعبدوا الا اياه وبا لوالدين احسانا: الاسراء ۲۳/۲۴) حکم کرد پروردگارت آنکه عبادت نکنید مگر فقط الله را و به پدر و مادر نیکی کنید و پیامبر اکرم (ص) در حدیث دیگری می فرماید (الجنة تحت اقدام امهاتکم: بهشت زیر پای مادران شماست میزان الحکمة ۱/ ۲۲۶) کسی که بهشت زیر پای آن باشد پس چه کسی مستحق تر به اکرام و احترام از آن میباشد و در حدیث دیگری پیامبر اکرم (ص) می فرماید که (من اتخذ زوجة فلیکرمها: هر کس همسر ی اختیار کند باید او را گرمی بدارد (مستدرک الوسائل ۱/ ۴۱۲) و مردی خدمت رسول خدا (ص) رسید و گفت: ای رسول خدا من هیچ کار زشتی نمانده که انجام نداده باشم آیا می توانم توبه کنم رسول خدا (ص) فرمود آیا هیچیک از پدر و مادرت زنده هستند؟ گفت بله: پدرم حضرت فرمود برو به اونیکی کن (تا آمرزیده شوی) وقتی او راه افتاد پیامبر اکرم (ص) کاش مادرش زنده میبود (یعنی اگر او زنده می بود و به او نیکی میکرد زوتر آمرزیده می شد بحار الانوار ۸۲/۷۴) و در حجة الوداع که مشهور است و برای هیچ کس مخفی نیست که رسول معظم اسلام در راستای اکرام احترام و رعایت حقوق زنان و گذشت از اشتباهات آنان باشد تاکید برای امت توصیه نمودند و این نگاه اخلاق مدارانه بازنان است که وسیله بوجود آمدن تمدن نوین اسلامی است که امنیت، آرامش، آسایش، صفا و صمیمیت را در خانواده بوجود می آورد

۶- حضور مثبت و فعال زنان در تمام عرصه ها خصوصا در نقش مادری و امور خانواده: زنان در همه عرصه ها همچون مردان حضور فعال دارند از جمله ۱- در عرصه انسانی: زنان همچون مردان انسان گرامی و مورد احترام خاص هستند (ولقد کرما بنی آدم الاسراء/۷۰) و لازمه برابری انسانی تعاون و همکاری برای رویاروی با مشکلات سخت و متنوع و مستمر زندگی است، ۲- در عرصه اجتماعی: زنان همچون مردان دارای اهلیت و حق برخورداری از آموختن و آموزش دادن و رسیدن به درجات عالی تحصیلی از همان سنین کودکی تا لحظاتی پیش از مرگ را دارند و این حق را دارند تا از شغلی که با فطرت و رسالت و طبیعت و ویژگی زن بودن او سازگاری داشته باشد، برخوردار باشند حتی هیچ یک از اولیاء بدون اجازه و رضایت آنها نمی تواند آنها را به نکاح بدهد ۳- در عرصه حقوقی: زنان نیز همچون مردان دارای حق مالکیت و تصرف کامل در اموال خود، از همان اوان رسیدن به سن بلوغ تا پایان عمر می باشند و از همان آغاز تولد حقوق مالی آنان همچون مردان حفظ می شود و مادر در نقش مادری و خانواده زیاده از پدر در قانون خانواده مسئولیت دارد و راجع به این مسئولیت بزرگ هم در نزد الله و هم در نزد قانون مورد باز پرس قرار می گیرد طور که دیده می شود که می گویند زبان مادری یعنی اولین کلمه ای که طفل یاد می گیرد از زبان مادر است و میتوان گفت مادر اولین، بهترین، و مؤثرترین معلم است و میتواند تربیت صحیح اسلامی بر مبنای هدایت و منهج قرآن و سنت رسول خدا (ص) و نشان دادن نهال عشق به خداوند و پیامبر و دینداری و پرهیزگاری و پای بندی به ارزشهای اخلاقی و پرهیز از زشتیها و بدیهها را به طفل بی آموزد و از نظر اجتماعی صداقت، صراحت، جرأت و مراعات ادب آنها را مزین نماید و از نظر جسمی به سلامت، صلابت و مهارت در انواع ورزشهای مفید آنها را آماده نماید و از نظر بهداشتی به نظافت جسم لباس و محل سکونت آنها اهتمام بورزد و از نظر علمی به آموزش علوم و معارف اسلامی، انسانی، تجربی، معرفت انسان، آفرینش و آخرت اهمیت کافی بدهند تا زیربنای فکری آنان محکم و استوار گردد زیرا تربیت و توجه باید شامل همه این موارد باشد تا کودک و نوجوانان به روشی پسندیده رشد و نمو نمایند و الگوی ارزشمندی در اینجا دتمدن نوین و بارز اسلامی برای دیگران بشوند

نتیجه گیری

ازاینکه یکی از موضوعات مهم و مطرح در آینده جهان اسلام مسئله ظرفیت شناسی حقوق خانواده در شکل گیری تمدن نوین اسلامی است و نظام خانواده در اسلام با توجه به ویژگی های منحصر به فرد خود و تاکیدات و توجهات احکام اسلامی یکی از پیشرفت های به روز و ظهور و ایجاد تمدن نوین اسلامی با رعایت موارد زیر میباشد ۱- تشکیل مشروع خانواده، ۲- شناخت حقوق خانواده، ۳- تامین نفقه اعضای خانواده، ۴- سرپرستی کامل و تربیه سالم فرزندان، ۵- ورعایت حقوق مالی و غیرمالی والدین در برابر فرزندان و همه اعضای خانواده، ۶- و نگاه اخلاق مدارانه به همه اعضای خانواده، ۷- و حضور مثبت و فعال زنان و رفع هرگونه تبعیض علیه آنان در تمام عرصه های دینی، اجتماعی، اقتصادی، تربیتی، اخلاقی، فرهنگی، ورزشی و غیره و خصوصا زنان در نقش مادری در امور خانواده که در این راستا هم شریعت اسلام با استناد به آیات و روایات و هم از لحاظ فقهی و هم از لحاظ قانون مدنی در کشورهای اسلامی و میتوان گفت نظام حقوقی بقیه کشورها و حتی کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان هم به عنوان یک نهاد بین المللی و مدافع حقوق بشر و مدعی پیشرفت و تمدن نوین ، والدین را در برابر فرزندان شان دارای حقوق و تکالیف دانسته که به عنوان حق و تکلیف مکلف به رعایت آن هستند ، با این تفاوت که کنوانسیون میان فرزندان مشروع و غیر مشروع تفاوتی قایل نبوده و همچنان نسبت به تساوی حقوق زن و مرد هم فرق بین پدر و مادر نگذاشته یعنی هر دو به شکل مساویانه مکلف به پرداخت نفقه و سرپرستی فرزندان خود میباشد و لی در نظام حقوقی اسلام در بحث حقوق مالی فرزندان باید گفت که نفقه فرزندان در قدم نخست به عهده پدر و سپس به عهده پدر بزرگ و اجداد پدری و در درجه سوم به عهده مادر و پس از آن به عهده دیگر اقارب و در نهایت به عهده دولت است.. در کل می توان گفت که پدر و مادر در برابر فرزندان شان دارای حقوق و تکالیف مالی و غیرمالی میباشد،

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. احادیث نبوی
۳. نهج البلاغه
۴. زحیلی، وهبه، مترجم عبدالعزیز سلیمی، فقه خانواده در جهان معاصر، نشر احسان، چاپ پنجم ۱۳۹۴
۵. امامی، اسدالله، حقوق مدنی، جلد ۵، تهران، ۱۳۸۱ هـ ش چاپ اول
۶. پارسا، رحیم الله، حقوق عینی (ملکیت و اسباب کسب آن) کابل افغانستان، ۱۳۹۶ هـ ش، چاپ اول
۷. پیوندی، غلامرضا، حقوق کودک، تهران، نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ۱۳۹۰ هـ ش، چاپ اول
۸. لنگرودی، محمدجعفر، تر مینو لوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۷، چاپ نوزدهم
۹. حیاتی، علی عباس، حقوق مدنی ۵ حقوق خانواده، تهران، میزان، ۱۳۹۳ هـ ش، چاپ اول
۱۰. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۲، ۱۳، تهران: دانشگاه، ۱۳۷۷ هـ ش، چاپ دوم
۱۱. دیانی، عبدالرسول، حقوق خانواده، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۵ هـ ش، چاپ سوم
۱۲. روشن، محمد، حقوق خانواده، تهران، جنگل، ۱۳۹۰ هـ ش چاپ اول
۱۳. زحیلی، وهبه، الفقه الاسلامی وادلته، ج ۱۰، دمشق، دارالفکر، دمشق، ۱۴۳۵ هـ ق ۲۰۱۴ م
۱۴. ساکت، محمدحسین، حقوق شناسی، تهران، نشر ثالث، ۱۳۸۷ هـ ش، چاپ اول
۱۵. شفیق هروی، عبدالاحد، حقوق مقایسوی طفل در فقه اسلامی و قوانین افغانستان، هرات افغانستان، انتشارات رسالت نور، ۱۳۹۵ هـ ش، چاپ دوم
۱۶. شیخ الاسلامی، اسعد، احوال شخصیه در مذاهب چهارگانه اهل سنت، تهران، ۱۳۸۴ هـ ش چاپ اول
۱۷. شیر وی، عبدالحسین، حقوق خانواده، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاه ها (سمت) ۱۳۹۴ هـ ش، چاپ اول
۱۸. صادقی، محمد، احوال شخصیه اهل سنت (نکاح) در مذهب شافعی و حنفی، تهران، خرسندی، ۱۳۹۴ هـ ش چاپ دوم
۱۹. صفا یی، سید حسین، امامی، اسدالله، حقوق خانواده، جلد ۱، ۲، تهران، ۱۳۷۲ هـ ش، چاپ هشتم
۲۰. صفا ئی، سیدحسین، قاسم زاده، سیدمرتضی، حقوق مدنی، اشخاص و محجورین، تهران، ۱۳۹۲ چاپ نوزدهم
۲۱. صفا ئی، سیدحسین، دوره مقد ماتی حقوق مدنی، جلد ۱، تهران، ۱۳۹۰ هـ ش چاپ سیزدهم
۲۲. عدالتخواه، عبدالقادر، وحامد، منهاج الدین، حقوق فامیل، افغانستان، کابل، مطبعه میوند، ۱۳۸۷ هـ ش چاپ اول
۲۳. عدالتخواه، عبدالقادر، حقوق خانواده، افغانستان، کابل، ۱۳۸۷ هـ ش، چاپ اول
۲۴. کاتوزیان، ناصر، اموال و مالکیت، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۹ هـ ش، چاپ سی و یکم

۲۵. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، ج ۱، تهران، ۱۳۸۷، هـ ش، چاپ اول
۲۶. معین، محمد، فرهنگ فارسی یک جلدی، تهران، ۱۳۸۹ هـ ش، چاپ اول
۲۷. نجفی، محمد حسن، جواهرالکلام، ج ۳۱، چاپ تهران ۱۳۳۹، هـ ش
۲۸. یزدی، امید، دانش نامه حقوق خانواده، تهران، ۱۳۹۴ هـ ش، چاپ اول